

لغو برده‌داری از گذشته تا امروز: بازخوانی توسعه مفهوم برده‌داری در اسناد و آرای محاکم بین‌المللی

آزاده سادات طاهری *

فائزه منطقی **

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۴

چکیده

برده‌داری یکی از شدیدترین اشکال نقض حقوق و کرامت انسانی است که انسانی را به مایملک دیگری بدل می‌کند. جهان بیش از یک قرن است که با این مالکیت شوم به مبارزه‌ای همه‌جانبه برخاسته است. با این حال همچنان از برده‌داری مدرن سخن به میان می‌آید. این مفهوم به اشکال نوین سوءاستفاده اشاره دارد که میلیون‌ها زن، کودک و مرد را در سراسر جهان تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این مقاله روند تکامل و شکل گرفتن تدریجی راه‌های قانونی مقابله با این پدیده و تحول تعریف، دامنه شمول مصادیق و تغییرات صورت گرفته در آن را مورد بررسی قرار داده و تلاش می‌کند تا فهم مناسبی از معنای برده‌داری در دوره معاصر ارائه دهد. بر این اساس، در دنیای امروز دیگر برای تحقق برده‌داری نیازی به احراز رابطه حقوقی مالکیت نیست، بلکه حتی اگر به‌طور عملی و یا به صورت بالقوه چنین اختیاری برای فردی نسبت به دیگری وجود داشته باشد کافی است تا برده‌داری را محقق بدانیم. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که این مبنا در تفسیر جرم به بردگی گرفتن در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز سودمند بوده و بدین ترتیب در حقوق کیفری بین‌المللی، این رفتار مجرمانه

* استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان (نویسنده مسؤول).

azadetaheri@semnan.ac.ir

** دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران.

f_manteghi@ut.ac.ir

و قابل تعقیب خواهد بود و راه برای مبارزه با اشکال جدید و معاصر بردهداری و کار
اجباری هموارتر می شود.

واژگان کلیدی:

برده‌داری - به بردگی گرفتن - برده‌داری مدرن - کار اجباری

مقدمه

مهم‌ترین ویژگی «برده‌داری» را اعمال سلطه و مالکیت یک فرد بر دیگری دانسته‌اند و از این رو آن را از بارزترین مثال‌های نقض کرامت انسانی به شمار می‌آید. علاوه بر مالکیت، عنصر دیگر مشهود در برده‌داری، کار اجباری است. شاید از همین روست که نخستین ظهور اصل «منع کار اجباری» در حقوق بین‌الملل، در مبارزه با بردگی مشاهده گردید و بعدها به تناسب تغییرات به وجود آمده اشکال شبیه بردگی نیز بدان منضم گردیدند. اگرچه جامعه بین‌المللی سال‌ها پیش تلاش خود را برای حل این مشکل آغاز کرده است، با این حال آمارها نشان می‌دهد که جمعیت زیادی در سراسر جهان (قریب به ۲۰ میلیون نفر) هم‌چنان به کار اجباری اشتغال دارند. هم‌چنین بر اساس یافته‌های سازمان بین‌المللی کار، سود غیرقانونی از کار اجباری سالانه حدود ۱۵۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.^۱ امروزه اشکال جدیدی از برده‌داری به وجود آمده و در حال رشد و گسترش است که از آن‌ها تحت عنوان برده‌داری مدرن یاد می‌شود. با توجه به یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۶، امروزه حدود ۴۵.۸ میلیون نفر از این نوع بردگی برخوردارند. از این تعداد ۵۸ درصد در کشور هند، چین، پاکستان، بنگلادش و ازبکستان زندگی می‌کنند.^۲

برده‌داری مدرن جرمی پنهان است که به اشکال مختلف رخ می‌دهد و از این رو نام‌های متفاوتی نیز بر آن صدق می‌کند و نشان‌دهنده نقض بنیادی‌ترین حق‌های انسانی است. در برده‌داری به دلیل وجود تهدید یا اجبار یا سوءاستفاده از قدرت یا فریب، فرد نمی‌تواند از کار سرباز زند یا آن موقعیت را ترک کند. باید اذعان داشت که رابطه متقابل و مرزبندی کار اجباری و برده‌داری هم‌چنان نامشخص است. با این حال به یقین می‌توان ادعا کرد که هر دو شیوه از نظر اخلاقی و قانونی در مقیاس جهانی ممنوع شده‌اند.

اما چه چیز تعیین این مرزها را دشوار می‌کند؟ چالش و دشواری پیش رو در تعریف برده‌داری، با پیدایش اشکال جدید پیچیده شبه قراردادی و با برجسته شدن نقش دلالتان کار و واسطه‌های استخدام برجسته‌تر شده و نمایانگر ضرورت بازنگری و توسعه این مفهوم است. گسترده‌گی مصادیق و دایره شمول نیز بازشناسی «برده‌داری مدرن» را پیچیده می‌سازد. امروزه این اصطلاح

1. International Labour Organization, 'Profits and Poverty: The economics of forced labour', (ILO, 2014).

2. Global Slavery Index. Walk Free Foundation. 2016.

برای توصیف شیوه‌های مختلف سوءاستفاده که در سراسر جهان اتفاق می‌افتد، اعم از کار اجباری و بردگی برای بازپرداخت بدهی و همچنین قاچاق انسان، به کار می‌رود. کشورهای مختلف از تعابیر متفاوتی برای بیان اشکال برده‌داری مدرن استفاده می‌کنند، از جمله خود لفظ برده‌داری و یا سایر تعاریف مثل قاچاق انسان، اطلاق عنوان برده‌داری به یک عمل، ضرورت مبارزه با آن و حذف آن را دوچندان می‌نمایند. با این حال، نمی‌توان از تبیین مرزهای این مفهوم غافل ماند. به این منظور باید دانست هنجارهای بین‌المللی تا چه حد و چگونه به سمت نفی مفهوم بردگی توسعه داده شده‌اند. از آنجا که برده‌داری در کشورهای توسعه‌یافته در قرن ۱۹ و ۲۰ لغا شده و به تدریج از یک عمل رسمی تأیید شده و مبتنی بر تبعیض نژادی، به یک جرم تبدیل شده است، ابهامات فراوانی، به خصوص در اشکال و انواع برده‌داری به وجود آمده است و توجه به تعریف و رفع ابهامات از آن هرچه بیشتر ضروری می‌نماید.

این مقاله در پی فهم معنا و ترسیم مفهوم برده‌داری مدرن است و تلاش می‌کند به پاسخ این پرسش دست یابد که چگونه مفهوم سنتی برده‌داری توسعه می‌یابد و تدریجاً مفاهیمی چون کار اجباری و بهره‌کشی به شیوه‌های مشابه را نیز در برمی‌گیرد. در بخش اول، به مفهوم برده‌داری و عناصر آن و پیشینه مقابله با برده‌داری، با توجه به اسناد و کنوانسیون‌های مرتبط، پرداخته می‌شود. در بخش دوم به واکاوی مفهوم برده‌داری مدرن و تمایز این مفهوم از مفهوم مشابه کار اجباری می‌پردازد. در بخش بعد دادرسی صورت گرفته در پرونده کوناراک در دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و تفسیر خاص این دادگاه از جرم به بردگی گرفتن و سپس پرونده‌ای در دیوان اروپایی حقوق بشر که متضمن تفسیر دیگری از این جرم است، بررسی می‌شوند. در پایان نتیجه‌گیری به سؤال مقاله پاسخ می‌دهد.

۱. برده‌داری در حقوق بین‌الملل: مفهوم برده‌داری و پیشینه مقابله با آن

تاریخچه توجه به مسئله برده‌داری از سوی کشورها و سازمان‌های جهانی اهمیت زیادی دارد چراکه روند تکامل و شکل گرفتن تدریجی راه‌های قانونی مقابله با این پدیده و تحول تعریف، دامنه شمول مصادیق و تغییرات صورت گرفته در آن‌ها را نشان می‌دهد. پایان قرن نوزدهم با تصویب نخستین اسناد درباره محکومیت برده‌داری مصادف بود. در این زمان رشد قابل توجه برده‌داری و کار اجباری در مستعمرات بسیار گسترده بود و کشورهای استعمارگر با استفاده از

نیروی سیاسی و نظامی خود، مردم بومی کشورهای استعمار شده را به خدمت وامی‌داشتند. با اوج گرفتن جنبش ضد برده‌داری در این دوران، عزمی دوباره برای از بین بردن بقایای بردگی آشکار و تجارت برده به وجود آمد و نگرانی قابل ملاحظه‌ای نسبت به سوءاستفاده از برخی شیوه‌های کار اجباری شکل گرفت.

فرانسه در سال ۱۷۹۱ و انگلستان در سال ۱۸۳۳، پیشنهاد لغای بردگی به‌طور قانونی شدند، اگرچه هر کشور با تداوم آن را در برخی مستعمرات خود موافقت کردند. در سال ۱۸۱۵ نیز اعلامیه کنگره وین بردگی را مخالف ارزش‌های جامعه متمدن بین‌المللی دانست.^۱ در سال ۱۸۲۲ اعلامیه لغو تجارت برده در ورنه و در سال ۱۸۴۱ معاهده ممنوعیت تجارت برده‌های آفریقایی در لندن امضا شد. سال ۱۸۹۰ نیز کنوانسیون تجارت برده و واردات سلاح گرم و مهمات و مشروبات الکلی به آفریقا در بروکسل امضا شد و کشورهای عضو را الزام به تعیین مجازات برای این عمل کرد.^۲

در طول قرن بیستم، به موازات تحول و تکامل حقوق بین‌الملل تلاش‌های زیادی صورت گرفت تا از رهگذر حقوق بین‌الملل مسئله برده‌داری مورد توجه واقع شود و با شکوفایی سازمان‌های بین‌المللی بستری برای مقابله با برده‌داری ایجاد شد.^۳ در سال ۱۹۲۴ کمیسیونی تحت عنوان کمیسیون موقت برده‌داری توسط مجمع عمومی جامعه ملل تأسیس شد که مسئول شناسایی برده‌داری و ارزیابی میزان آن در کشورها بود. در نهایت و براساس نتایج بررسی این کمیسیون، جامعه ملل کنوانسیون برده‌داری یا کنوانسیون ممنوعیت تجارت برده و برده‌داری را در سال ۱۹۲۶ تصویب کرد.^۴ پیش از کنوانسیون برده‌داری، اشکال مختلفی از آن در فهرستی که در سال ۱۹۲۴ توسط کمیسیون برده‌داری تهیه شده بود شناسایی شد و متعاقباً از سوی شورای جامعه ملل مورد تأیید قرار گرفت. علاوه بر به بردگی گرفتن، تجارت برده و معامله برده، فهرست مذکور شامل این موارد می‌شد:

۱. میرمحمد صادقی، حسین، **حقوق جزای بین‌الملل**، چاپ چهارم، میزان، تهران: ۱۳۹۲، ص ۴۷.

2. Bassiouni, M. Cherif. *International Criminal Law; Volume 1: Sources, Subjects and Contents*. Leiden: Martinus Nijhoff Pub, 2008. pp 544-545).

3. Bell, Jessica, **Contemporary slavery and international law**. Human Rights and Human Welfare, 2008, p35.

4. Ibid.

۱. بردگی یا خدمتکاری (خانگی یا کشاورزی).
۲. شیوه‌های محدود کردن آزادی اشخاص یا به دست‌گرفتن کنترل اشخاص در شرایط شبیه به برده‌داری، به‌طور مثال: الف) تصاحب دختران به‌وسیله خریدن آن‌ها که با عنوان پرداخت مهریه انجام می‌شود (برخلاف سنت‌های معمول ازدواج)، ب) به فرزندگی گرفتن کودکان (با هدف به بردگی گرفتن و یا سلطه بر شخصیت آنها)، پ) تمام اشکال التزام و تعهد به خدمتکاری در ازای بدهی یا به سایر دلایل.
۳. نظام کار اجباری، چه به‌طور خصوصی چه به‌طور عمومی درازای مزد یا بدون مزد^۱.
تعریف کنوانسیون (۱۹۲۶) را می‌توان ایجادکننده مبنایی دانست که بر اساس آن کشورها می‌توانند برده‌داری را در درون مرزهای خود بسنجند. مطابق تعریف ماده ۱ (الف) این کنوانسیون «برده‌داری وضعیت یا شرایط یک فرد نسبت به دیگری است که در آن از هر اختیار مربوط به حق مالکیت استفاده می‌شود». تعریف ذکرشده برده‌داری را وضعیتی می‌داند که در آن فرد تحت کنترل کامل دیگری، به‌عنوان جزئی از اموال او محسوب می‌شود.^۲ تجارت برده نیز در کنوانسیون ۱۹۲۶ شامل تمام رفتارهایی است که متضمن گرفتن، تملک یا در اختیار گرفتن یک شخص باشند با این هدف که او را به برده تبدیل کنند و همچنین تمام رفتارهایی که دربردارنده تملک یک برده با نظر به فروش یا مبادله او باشند و به‌طور کلی هر رفتار تجاری یا نقل و انتقال برده نیز مشمول این تعریف می‌شود.
باوجود تلاش‌های کمیسیون موقت برده‌داری، نهادی برای ارزیابی و نظارت بر موارد نقض حقوق بشر در اشکال بردگی معاصر و پروتکل‌هایی که بردگی را در سطح بین‌المللی الغا کند وجود نداشت. در سال ۱۹۳۰، یک کمیسیون مشورتی برای رفع برخی از این نقاط ضعف ایجاد شد، اما اثر آن به سبب وجود موافقت‌نامه‌های محرمانه کشورها، محدود بود.^۳ بر این اساس، اگرچه کنوانسیون برده‌داری این عمل و شیوه‌های مرتبط با آن را غیرقانونی اعلام کرد، اما نه تنها در

1. Report of the Temporary Slavery Commission to the Council of the League of Nations (A.17.1924.VI.B), 1924, quoted in "The suppression of slavery" (Memorandum submitted by the Secretary-General to the Ad Hoc Committee on Slavery), United Nations document ST/SPA/4 1951, para. 22.

2. Allain, Jean, **The Definition of 'Slavery' in General International Law and the Crime of Enslavement within the Rome Statute**, Guest Lecture Series of the Office of the Prosecutor, Hague.3007, p.4.

3. Ibid, p. 36.

ایجاد روش‌هایی برای بازبینی وقوع برده‌داری در کشورهای عضو موفق نبود، بلکه حتی از ایجاد یک نهاد بین‌المللی که بتواند ادعاهای نقض کنوانسیون را ارزیابی و پیگیری کند غفلت کرد. باوجود این موانع، جامعه ملل از طریق تبلیغات و فشار بر دولت‌ها توانست کشورهایی مانند برمه و نپال را به اجرای قانون ضد برده‌داری تشویق کند.^۱

در همین زمان، سازمان بین‌المللی کار، که به‌تازگی شروع به کار کرده بود، اولین کنوانسیون در خصوص کار اجباری را تصویب کرد. مقوله نامه ۲۹ سازمان بین‌المللی کار با برشمردن چند دسته از استثنائات، هرگونه کار اجباری را ممنوع دانست. این سند کار اجباری یا قهری را در ماده ۲ (۱) چنین تعریف می‌کند: «هرگونه کار یا خدمتی است که یک فرد به سبب ترس از تنبیه انجام می‌دهد و آن را داوطلبانه انجام نمی‌دهد»^۲ در این کنوانسیون دولت‌ها متعهد شدند که در کوتاه‌ترین زمان ممکن کار اجباری را از بین ببرند؛ این تعهد شامل فعل و ترک فعل می‌شد. دولت‌ها، خود نباید افراد را به کار اجباری وادارند و نباید وقوع کار اجباری را در قلمروشان بپذیرند. بنا بر ماده ۲۵ این کنوانسیون تحمیل غیرقانونی کار اجباری یک جرم است و باید قابل مجازات باشد. علاوه بر این، برخی معاهدات مربوط به برده‌داری، از جمله کنوانسیون ۱۹۲۶ نیز برای استفاده قانونی از کار اجباری استثنائاتی قائل شده بودند از این رو لغو کار اجباری به‌طور مطلق مورد توجه قرار نگرفت.

تحولات جامعه بین‌المللی در سال‌های بعد به سویی پیش رفت که مستعمرات سابق استقلال خود را بازیافتند و دغدغه استثمار اقتصادی به‌وسیله استعمارگران تا حدی از میان برداشته شد؛ هرچند برده‌داری از میان نرفته. دولت‌ها در این مدت آموخته بودند که می‌توانند از بردگی و کار اجباری به‌عنوان ابزاری برای سرکوب مخالفان خود استفاده کنند. صدور احکام زندان همراه با کار اجباری برای فعالان سیاسی، شکلی جدید از بردگی را آشکار ساخت. دهه ۱۹۵۰ شاهد رشد استفاده از کار اجباری برای مقاصد سیاسی بود.^۳

1. Weissbrodt, D. S. *Anti-Slavery International & United Nations, Abolishing slavery and its contemporary forms*, Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, United Nations, New York:2002. P.5.

2. ILO Forced Labour Convention, 1930 (No. 29), art. 1, para. 1, *United Nations Treaty Series*, vol. 39, p. 55; entered into force on 1 May 1932.

۳. آزاده السادات طاهری، «حق اشتغال با تأکید بر اشتغال مولد در نظام حقوق داخلی و بین‌المللی»، پایان‌نامه برای دریافت درجه دکتری حقوق عمومی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲.

در سال ۱۹۴۵، با تأسیس سازمان ملل متحد ممنوعیت برده‌داری به اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز اعلامیه فیلادلفیا راه یافت. ماده چهارم اعلامیه جهانی حقوق بشر ممنوعیت تمام اشکال بردگی را الزامی کرد. اندکی بعد، در ۱۹۵۷ سازمان بین‌المللی کار، مقاله نامه ۱۰۵ را با هدف تضمین و اجرایی کردن الغای کار اجباری به تصویب رساند. در این کنوانسیون استفاده از کار اجباری به مثابه ابزاری برای محدود کردن آزادی بیان به‌ویژه بیان عقاید سیاسی، به‌عنوان بسیج نیرو و استفاده از نیروها برای توسعه اقتصادی، به‌عنوان وسیله‌ای برای حفظ نظم در محیط کار، به‌عنوان مجازات علیه شرکت در اعتصاب و به‌عنوان ابزار اعمال تبعیض ملی نژادی و جنسی و ... ممنوع اعلام شد. سازمان ملل متحد نیز در سپتامبر ۱۹۵۶ «کنوانسیون تکمیلی راجع به الغای بردگی، تجارت برده و نهادهای و شیوه‌های مشابه بردگی» را به تصویب رساند که با گسترش تعریف برده‌داری آن را شامل اسارت بدهی، کارکردن برای دیگران، فروش زنان توسط خانواده برای ازدواج، اشکال خاص سوءاستفاده از زنان و خریدوفروش کودکان برای کار و یا فحشا می‌دانست.^۱ تعریف دیگری به ماده ۷ (الف) کنوانسیون تکمیلی ۱۹۵۶ به این شرح افزوده شد: «معنای "بردگی"، همان‌طور که در کنوانسیون برده‌داری در سال ۱۹۲۶ تعریف شد، وضعیت یا شرایط یک فرد نسبت به دیگری است، به‌نحوی که از هر اختیار مالکانه استفاده کند، به شخصی در چنین شرایط یا وضعیت «برده» گفته می‌شود.» تصویب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ۱۹۶۶ و اعلام منع کار اجباری و برده‌داری در این سند، به مبارزه علیه برده‌داری رنگ و بویی شاخص‌تر از منظر حقوق بشر داد.

تاریخچه و اسناد ذکرشده عموماً بر اقدام تدریجی در طول یک دوره زمانی به‌جای جرم‌انگاری و مجازات فوری مجرمین تأکید می‌کنند و تنها در سال‌های اخیر است که پرونده‌های حقوق کیفری بین‌المللی بر محور اتهام به بردگی گرفتن به جریان می‌افتد. این جرم‌انگاری در پی تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در جولای ۱۹۹۸ پدید آمد. به بردگی گرفتن جرمی علیه بشریت تلقی می‌شود که تحت صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد. بر اساس تعریف اساسنامه برطبق ماده ۷ (۱) (پ) «به بردگی گرفتن یعنی اعمال اختیارات مربوط به حق مالکیت بر انسان و مشتمل است بر اعمال چنین اختیاری در جهت خریدوفروش انسان به‌ویژه زنان و کودکان.»

1. Bell, op.cit, p.37.

اکتفا به آنچه در اساسنامه رم بیان شده برای فهم تعریف قانونی این جرم کافی نیست. ماده ۹ اساسنامه رم «سند عناصر جرایم»^۱ را مرجع تفسیر و کمک به اجرای مواد اساسنامه برای دادگاه می‌داند. تدوین پیش‌نویس این سند با مذاکرات زیادی در خصوص این عناصر جرم همراه بود از جمله آنکه آیا برای تحقق این نوع از جنایت علیه بشریت، وجود «حمله» لازم است یا نه و یا در مورد مناسب بودن یا نبودن افزودن صفت «مالکانه»، در کنار لفظ برده‌داری و یا ضرورت عنصر خریدوفروش نیز تردیدهایی وجود داشت. هم‌چنین مصادیق اعمال اختیار مربوط به حق تملک و چگونگی بیان این مصادیق، مورد بحث بوده‌اند.^۲ درنهایت، سند عناصر جرایم، جرم به بردگی گرفتن موضوع ماده (۱) ۷ (ج) را چنین شرح می‌دهد:

۱. مرتکب، تمام یا بخشی از اختیارات مربوط به حق تملک یک نفر یا چند نفر را اعمال کند، از جمله با خرید، فروش، وام یا مبادله کالا با چنین فرد یا افرادی و یا با تحمیل محرومیت از آزادی.
 ۲. رفتار به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا نظام‌یافته جهت‌گیری شده علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب یافته باشد.
 ۳. مرتکب می‌دانسته که بخشی از یک حمله گسترده یا نظام‌یافته جهت‌گیری شده علیه یک جمعیت غیرنظامی بوده است یا قصد وی آن بوده است که بخشی از چنان حمله‌ای باشد.^۳
- درنهایت باید اشاره کرد که بردگی به اشکال متفاوت ظاهر می‌شود. اجبار به کار از طریق تهدید یا خشونت و زور، کنترل شدن یا تملک به‌وسیله یک کارفرما عمدتاً از طریق تهدید، تحقیر و برخورد با انسان مثل یک شی، یا حتی خریدوفروش انسان به‌مثابه یک کالا، محدودیت رفت‌وآمد و آزادی انتخاب و تغییر شغل، عناصری هستند که اشکال مشترک بردگی‌اند.^۴ آنچه در همه این مفاهیم به‌طور مشترک مشاهده می‌شود، مالکیت و یا اختیار ناشی از مالکیت است. معنای سنتی و مفهوم مرسوم برده‌داری در گذشته ناظر بر وقوع مالکیت به معنای دقیق حقوقی آن است اما در حال حاضر که شیوه حقوقی و رسمی برای مالکیت نسبت به یک شخص وجود ندارد آیا

1. International Criminal Court (ICC), *Elements of Crimes*, 2011, ISBN No. 92-9227-232-2.

2. Oosterveld, Valérie. **Sexual slavery and the International Criminal Court: advancing international law.** Michigan Journal of International Law. 253,2004. 628.

3. Ibid, p.6.

4. Beth Herzfeld, Slavery and Gender: Women's Double Exploitation, *Gender and Development*, Vol.10, No.1, March 2002, p.50.

صرف اعمال اختیارات مالکانه برای تحقق برده‌داری کافی است؟ در دنیای فعلی نیز سطوح پایین‌تری از مالکیت بالقوه یا اعمال اختیار مالکانه باعث تحقق برده‌داری می‌شود؟ در ادامه تلاش می‌شود تا مرزهای برده‌داری مدرن با برخی مفاهیم مشابه ترسیم شود.

۲. برده‌داری مدرن و کار اجباری: تفاوت‌ها و شباهت‌ها

در سال‌های اخیر تمایل زیادی به استفاده از اصطلاح «برده‌داری مدرن»، به‌عنوان چتری که دربردارنده همگی تمام اشکال اجبار در کار باشد، وجود دارد، اما نسبت به حدود و ثغور شمول این اصطلاح اختلاف نظر وجود دارد.^۱ می‌توان گفت که «برده‌داری مدرن» به اشکال نوین سوءاستفاده اشاره دارد که میلیون‌ها زن، کودک و مرد را هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم کشورهای درحال توسعه تحت تأثیر قرار می‌دهد. تحقیقات نشان می‌دهد که برده‌داری تنها در مورد کارگران غیررسمی، در یک اقتصاد زیرزمینی که در معرض قاچاق نیروی کار قرار گرفته‌اند، مشاهده نمی‌شود، بلکه کارگران قراردادی یا موقت، با قراردادهای استخدامی کاملاً قانونی، نیز می‌توانند در معرض خطر به بردگی گرفته شدن باشند. با پیدایش اشکال پیچیده شبه قراردادی، که می‌تواند تعیین مسئولیت‌های کارفرمای نهایی بر روی نیروی کار را دشوار کند و با برجسته شدن نقش دلالان کار و واسطه‌های استخدام که معمولاً از بازرسی کار فرار می‌کنند، لزوم ترسیم دقیق مرزهای مفهوم برده‌داری مدرن و توجه به آن، بیش‌ازپیش، احساس می‌شود.^۲

عده‌ای از صاحب‌نظران در مطالعات این حوزه، تعریف قانونی برده‌داری را به حال خود رها کرده و بر سه جنبه کلیدی برده‌داری مدرن تأکید می‌کنند: از دست دادن اراده آزاد، تصاحب^۳ نیروی کار و استفاده از خشونت یا تهدید به آن.^۴ یک بررسی تازه در مورد برده‌داری مدرن در انگلستان نیز آن را «استثمار شدید اقتصادی، فقدان یک چارچوب حقوق بشری و کنترل یک فرد بر دیگری با دورنما یا واقعیت خشونت» معنا می‌کند.^۵ عده‌ای نیز معتقدند که اگرچه با توجه به مفهومی که در دنیای امروز وجود دارد، درخواست‌هایی مبنی بر تعریف دوباره برده‌داری صورت گرفته است، اما

1. Plant, Roger. Modern slavery the concepts and their practical implications. Geneva: ILO. 2014, (p1).

2. Ibid.

3. Appropriation.

4. Bell, op.cit, (p5).

5. Ibid.

همچنان معنای ترکیبی مندرج در کنوانسیون ۱۹۲۶ و کنوانسیون تکمیلی ۱۹۵۶ بدون تغییر باقی مانده‌اند و مفهوم بین‌المللی و حقوقی آن از سال ۱۹۲۶ به‌طور قابل ملاحظه‌ای تغییر نکرده است.^۱

با این‌همه، انگلستان در سال ۲۰۱۵ قانونی را تحت عنوان قانون برده‌داری مدرن وضع کرده و به مرحله‌ی اجرا گذاشته است. در این قانون اصطلاح برده‌داری مدرن تعریف نشده اما برده‌داری، خدمتکاری و کار اجباری و قاچاق انسان ذیل این عنوان، جرم انگاری شده و برای آن‌ها مجازات در نظر گرفته شده است. در این قانون در تعریف بهره‌کشی این مصادیق را آمده است: برده‌داری، خدمتکاری و کار اجباری، بهره‌کشی جنسی و برداشتن اعضای بدن.

برای روشن‌تر شدن و فهم تمایز برده‌داری از کار اجباری و نسبت این دو با یکدیگر باید در نظر داشت که کار اجباری توسط جامعه بین‌المللی به‌عنوان یک عمل مشابه، ولی مجزا از بردگی، محکوم شده است. جامعه ملل و سازمان ملل متحد تمایزی بین برده‌داری و کار اجباری قائل شده‌اند و سازمان بین‌المللی کار عهده‌دار لغو کار اجباری شده است.^۲ آمارد خصوص اینکه کار اجباری دقیقاً به چه چیزی اطلاق می‌شود، باید گفت که باوجود مبارزه دیرینه علیه کار اجباری، بر سر تعریف این مفهوم اختلاف‌نظرهایی وجود دارد و مصادیق آن در طیفی گسترده جای می‌گیرند. در یک سوی طیف، کسانی هستند که کار اجباری را محدود به اردوگاه‌های کار اجباری دولت‌های تمامیت‌خواه (به‌ویژه اردوگاه‌های کار اجباری هیتلر در آلمان نازی) می‌دانند^۳ و در سوی دیگر، کسانی که شرایط نامناسب کار، دستمزدهای پایین و عدم رعایت مقررات بهداشتی در محل کار را نوعی کار اجباری نوین می‌نامند.^۴

برای ترسیم یک مرز جداکننده، می‌توان تمایز این دو را در تفاوت شدت آنها دید و عنوان بردگی را زمانی به کار برد که بهره‌کشی اقتصادی در شدیدترین حالت خود باشد حال آن که کار اجباری

1. Weissbrodt, Op.cit, p.6.

2. Ibid, (p12).

۳. توجه به این نکته خالی از فایده نیست که اصطلاح کار اجباری برای نخستین بار در مورد اردوگاه‌هایی به کار برده شد که توسط انگلیسی‌ها در مدت جنگ دوم استقلال آمریکا، در سال‌های ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۲ ساخته شد. استفاده از اردوگاه‌های کار اجباری سپس در میانه قرن بیستم توسط دولت‌ها رواج یافت. رک: سید یوسف قریشی، **اردوگاه‌های کار اجباری و کارویژه‌های آنها**، فصلنامه ره‌آورد سیاست، شماره ۱۹، بهار ۱۳۸۷، ص ۱۳۳.

4. A Global Alliance against Forced Labour, Global Report under the Follow-up to the ILO Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work, International Labour Conference, 93rd Session, 2005, p.5.

در درجات خفیف‌تر هم واقع می‌شود. توجه به عاملان بهره‌کشی نیز مستند دیگری برای تفکیک است. برخی هرگاه کارفرما دولتی باشد رفتار را کار اجباری و هرگاه خصوصی باشد رفتار را از مصادیق بردگی می‌شمردند. عنصر زمان عامل دیگری برای توجیه این تمایز است، بدین نحو که در بردگی نوعی تداوم و استمرار وجود دارد و رفتار در طول زمان و به شکل دنباله‌دار اتفاق می‌افتد، حال آن که کار اجباری می‌تواند اتفاقی و یا موقتی باشد.^۱

تعریف کنوانسیون ۲۹ سازمان بین‌المللی کار، بیان می‌کند که «کار اجباری، کار یا خدمتی است که با تهدید به تنبیه، به فرد تحمیل می‌شود بدون آن که فرد خود را داوطلب انجام آن کار کرده باشد.»^۲ این تعریف سه عنصر اصلی دارد: نخست این که باید کار یا خدمتی بر فرد تحمیل شده باشد. باید این کار یا خدمت را از آنچه در آموزش، به‌ویژه در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای که فرد مکلف به آن است، جدا کرد.^۳ عنصر دیگر این تعریف، استفاده از تنبیه است. باید توجه کرد که وقتی سخن از اعمال تنبیه به میان می‌آید، مقصود صرفاً ضمانت اجرای کیفری نیست، بلکه هرگونه محروم کردن فرد از حقوق و مزایایی که حق اوست، نیز می‌تواند تنبیه تلقی گردد. همچنین نباید پنداشت که مقصود از ضمانت اجرای کیفری همیشه مجازات جسمی است. عنصر دیگر تعریف کار اجباری، نبود پیشنهاد داوطلبانه است. بدین معنا که فرد خود به این کار رضایت نداده باشد. رضایت نباید حاصل فریب و نیرنگ و باید نوعی باشد نه شخصی. همچنین رضایت باید استمرار داشته باشد، از این رو چنانچه در کشوری مقررات برای ترک کار بسیار دشوار باشد و فردی به سبب تعهدات سنگین قبلی (مانند وثیقه‌های مالی قابل توجه) مجبور باشد بدون رضایت به کاری ادامه دهد، می‌توان گفت کار اجباری به وقوع پیوسته است.^۴

1. Sadat, Leila N, and Michael P. Scharf. *The Theory and Practice of International Criminal Law: Essays in Honor of M. Cherif Bassiouni*. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2008. P. 428).

2. Forced or compulsory labour” is defined as “all work or service which is exacted from any person under the menace of any penalty and for which the said person has not offered himself voluntarily.

3. *Eradication of Forced Labour*, General Survey Concerning the Forced Labour Convention, 1930 (No. 29), and the Abolition of Forced Labour Convention, 1957 (No. 105), International Labour Office, Geneva, 2007, pp.19-20.

4. *Combating Forced Labour, a Handbook for Employers and Business, Special Action Programme to combat Forced Labour*, No.3, Guiding Principles for Combating Forced Labour, International Labour Office, 2008, p.3.

آنچه در خصوص عناصر کار اجباری گفته شد، قابل صدق و انطباق بر برده‌داری و شیوه‌های مشابه است. روشن است که کار اجباری نیز درجه مشابهی از محدودیت نسبت به آزادی آزادی فرد را تحمیل می‌کند. اغلب از طریق روش‌های خشونت‌آمیز، به همین دلیل کار اجباری در اثری که بر فرد می‌گذارد مشابه بردگی است.^۱ در کنوانسیون کار اجباری سازمان بین‌المللی کار، کار اجباری مفهوم اعم و موسعی دانسته شده که می‌تواند بردگی و قاچاق انسان را در بر بگیرد. هم‌چنین در سال ۲۰۱۴ سازمان بین‌المللی کار پروتکل شماره ۲۹ را در مورد کنوانسیون کار اجباری (۱۹۳۰) تصویب کرد. این پروتکل در بند ۳ ماده ۱ خود تعریف کار اجباری در کنوانسیون را مجدداً تأیید و بیان کرد که تمهیدات مذکور در این پروتکل باید تمهیدات خاص علیه قاچاق انسان با هدف کار اجباری را نیز شامل شود.^۲

در نهایت، شاید بتوان گفت مفهوم مالکیت است که می‌تواند کار اجباری را از بردگی متمایز کند. تعریف کار اجباری در کنوانسیون ۲۹ سازمان بین‌المللی کار ناظر به مالکیت نیست و به این ترتیب کار اجباری را از بردگی متمایز می‌کند. اما آیا مفهوم مالکیت در برده‌داری یک مفهوم حقوقی و قانونی است و می‌توان آن را مرز تفکیک برده‌داری مدرن از سایر مفاهیم مشابه دانست؟

مالکیت موضوع مشترکی است که در تمام کنوانسیون‌های مرتبط با لغای برده‌داری یا شیوه‌های شبیه آن وجود دارد. کنوانسیون ۱۹۲۶ با به کار بردن عبارت «تمام اختیارات مرتبط با حق مالکیت» (ماده ۲) تعبیر جامع و موسعی از برده‌داری ارائه کرده که نه تنها اشکال برده‌داری موجود در تجارت برده آفریقایی (که در گذشته معمول بود)، بلکه شیوه‌های مشابه از نظر اثر و ماهیت را نیز در بر می‌گیرد.^۳ هم‌چنین، در این خصوص می‌توان به پاورقی ماده‌ای که در سند عناصر جرایم در خصوص جرم به بردگی گرفتن در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی افزوده شده است، اشاره کرد: «چنین محرومیتی از آزادی در برخی شرایط ممکن است شامل کار اجباری، یا در غیر این صورت، تنزل یک فرد به وضعیتی پست باشد، همان‌طور که در کنوانسیون تکمیلی لغای برده‌داری، تجارت برده و نهادها و اعمال مشابه بردگی (۱۹۵۶) تعریف شده است.»^۴ در برگرفتن خرید، فروش، وام، یا مبادله کردن چنین فردی به تحلیل انجام‌شده در بالا این نکته را می‌افزاید

1. Weissbrodt, Op.cit.

2. Protocol of 2014 to the Forced Labour Convention, 1930

3. Weissbrodt, Op.cit, p.7.

4. International Criminal Court (ICC), Elements of Crimes, 2011, ISBN No. 92-9227-232-2.

که با توجه به برده‌داری در حقوق بین‌الملل عمومی، این «بردگی»، مانند «به بردگی گرفتن»، نه تنها در برده‌داری قانونی، بلکه در برده‌داری عملی نیز آشکار می‌شود؛ بنابراین، سند عناصر جرایم، منعکس‌کننده تکامل عناصر اساسی برده‌داری در حقوق بین‌الملل عمومی، یعنی اعمال اختیار مربوط به حق مالکیت است.^۱

با توجه به آنچه گفته شد، بررسی روند تحولات مفهوم برده‌داری و سنجش آن با مفاهیم نزدیک به آن، نشان می‌دهد که عنصر اساسی برده‌داری که در گذر زمان باقی مانده و هرگاه در عملی مشاهده شود می‌توان آن را بردگی یا مشابه بردگی دانست، اعمال مالکیت و یا سلطه مالکانه است. آنچه به فهم و درک ما از مواد اساسنامه کمک شایانی می‌کند، بی‌شک آرا و تفاسیر قضات دیوان کیفری بین‌المللی در پرونده‌های مرتبط با این موضوع خواهد بود. اما با توجه به اینکه موضوع مورد بحث در این مقاله هنوز در دیوان به صدور رأی منجر نشده است، لاجرم برای فهم بیشتر این موضوع در ادامه به قضیه کوناراک در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق اشاره می‌شود که با تفسیری که از جرم به بردگی گرفتن ارائه می‌دهد، گام بزرگی در تبیین معنای برده‌داری برداشته است.

۳. برده‌داری مدرن در پرتو آرای محاکم

در اساسنامه دادگاه‌هایی که موقتاً و برای رسیدگی به جرایم خاص یک واقعه تشکیل می‌شوند، عموماً به بردگی گرفتن جنایتی مستقل نیست و ذیل جنایات دیگر، از جمله جنایات جنگی یا جنایات علیه بشریت، امکان وقوع دارد. از این رو، در دادگاهی که به این جرم رسیدگی می‌کند باید ضرورت‌های لازم برای تحقق آن جرایم دیگر نیز اثبات شود. به این ترتیب در دادگاه یوگسلاوی سابق رفتار سربازان صرب به عنوان برده‌داری مورد ارزیابی قرار گرفت.

۳.۱. دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق^۲

بند سوم ماده ۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق به بردگی گرفتن را جرمی علیه بشریت دانسته، هرچند این جرم را تعریف نکرده است. با این حال، دادگاه در یکی از

1. Allian, Op.cit. p.17.

2. International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia.

پرونده‌های خود به اجزای تشکیل‌دهنده این جرم پرداخته است. پرونده کوناراک، کوکاک و وکاوویک^۱ مربوط به زنان و دختران مسلمانی است که در یک مدرسه و در خانه‌های سربازان صرب به مدت ۶ ماه نگهداری شده و به آن‌ها در این مدت تجاوز می‌شد. زنان ابتدا مورد تجاوز متهمان قرار گرفته بودند، سپس برای تجاوز اجاره داده شده و به سربازان دیگر فروخته می‌شدند. دادگاه بدوی احراز کرد که دو نفر از متهمان با این زنان به‌مثابه دارایی شخصی‌شان رفتار کرده‌اند و این زنان در مدت حضور در آنجا، از هر کنترلی بر روی زندگی خود محروم بوده‌اند و همین امر برای تحقق برده‌داری کفایت می‌کند. دادگاه فهرستی از هشت شاخص ارائه کرد تا از آنها برای تصمیم‌گیری در خصوص وقوع برده‌داری استفاده شود. این موارد که حصری نیستند، عبارتند از: کنترل بر روی حرکات افراد، کنترل محیط فیزیکی او، کنترل روانی، اقداماتی برای جلوگیری یا بازدارندگی از فرار، تهدید یا اعمال زور یا اجبار، ادعای کنترل انحصاری، در معرض رفتار خشن و سو استفاده قرار دادن، کنترل تمایلات جنسی و کار اجباری.^۲

در این پرونده، شعبه بدوی با بررسی حقوق بشر بین‌المللی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، فعالیت‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل و دادگاه‌های توکیو و نورنبرگ، تشخیص داد که در زمان وقوع، «برده‌داری» به‌عنوان یک جنایت علیه بشریت در عرف حقوق بین‌الملل عبارت است از اعمال هر نوع اختیار مربوط به حق مالکیت بر یک شخص و این تعریف «موسع‌تر از مفاهیم سنتی برده‌داری، تجارت برده و خدمت یا کار اجباری بوده و ممکن است حتی به وضوح از آنها متمایز باشد».^۳ شعبه بدوی اظهار داشت که بر اساس این تعریف، برده‌داری شامل عناصری از کنترل و مالکیت، محدودیت یا کنترل یک شخص و آزادی انتخاب و آزادی حرکت او خواهد بود و معمولاً همراه با کسب منافع برای مرتکب است. در این شرایط خواست آزادانه قربانی وجود ندارد و او در چنین مواردی، معمولاً به‌واسطه مواردی چون سوءاستفاده از قدرت، موقعیت آسیب‌پذیر قربانی، بازداشت یا زندانی بودن، فشار روانی یا وضعیت اجتماعی-اقتصادی، یا فاقد رضایت است و یا رضایتش مخدوش شده است. دیگر نمونه‌های برده‌داری عبارت است از استثمار،

1. *Kunarac case*.

2. PROSECUTOR v. DRAGOLJUB KUNARAC, RADOMIR KOVAC AND ZORAN VUKOVIC (Trial Judgment) IT-96-23-T& IT-96-23/1-T, International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), (22 February 2001), para 543.

3. *Ibid*, para 541.

تحمیل کار یا خدمات اجباری که معمولاً بدون مزد بوده و عموماً، هرچند نه ضرورتاً، دربرگیرنده مشقت فیزیکی، روابط جنسی، روسپیگری و قاچاق انسان است. از دید شعبه بدوی اگرچه «در معرض فروش قرار دادن» یا «عرضه فرد» در ازای پول یا هر نوع مابازای دیگر می‌تواند نشان بارزی از اعمال حق مالکیت بر یک شخص باشد لیکن لازمه تحقق برده‌داری نیست.^۱ اظهار نظر دادستان پرونده مبنی بر این‌که توانایی بر فروش، خرید، تجارت، یا به ارث بردن یک شخص یا کار و خدمات او می‌تواند عامل تأثیرگذاری (در تشخیص وقوع برده‌داری) باشد هرچند صرف توانایی بر انجام این موارد کافی نیست و رخ دادن چنین اعمالی در عمل اهمیت دارد، نیز تأیید شد.^۲

شعبه تجدیدنظر دادگاه کوناراک با اتخاذ رویکردی مشابه تأکید کرد که مفهوم معاصر برده‌داری فراتر از برده‌داری مالکانه^۳ تکامل یافته و دربردارنده انواع معاصر برده‌داری است که در آن بزه‌دیده لزوماً در معرض اعمال حقوق مالکانه افراطی مشابه با نوع سنتی، نیست. اما در همه موارد نوعی از تخریب هویت حقوقی^۴ دیده می‌شود که در نتیجه‌ی اعمال اختیارات مرتبط با حق مالکیت توسط شخص دیگری به وجود می‌آید. در این مرحله دادگاه مانند دادگاه بدوی بر کاراجباری به‌عنوان رفتاری که می‌تواند پیش شرط جرم به بردگی گرفتن باشد تأکید کرد.^۵ دادگاه تجدیدنظر پاسخ به این سؤال را که «آیا یک پدیده مشخص، شکلی از برده‌داری است یا نه» منوط به وجود همان مشخصه‌های برده‌داری دانست که توسط شعبه بدوی تعیین شد.^۶

در مرحله تجدیدنظر، خواهان (محکوم مرحله بدوی) مدعی شد که «خوانندگان فقدان رضایت خود را شفاف و مداوم در تمام طول مدت بازداشت اعلام نکرده‌اند و امکان رفت‌وآمد به بیرون از آپارتمان را داشته و بنابراین می‌توانسته‌اند فرار کنند یا تلاشی برای تغییر وضعیتشان انجام دهند. این نشانه‌ای از رضایت است»،^۷ محکمه تجدیدنظر در مقام رسیدگی به این ادعا، این فرض را که فقدان رضایت از عناصر جرم است رد کرد، چراکه برده‌داری از حق مالکیت ادعاشده نشأت

1. Ibid, para 542.

2. Ibid, para 543.

3. Chattel slavery.

4. Judicial personality.

5. PROSECUTOR v. DRAGOLJUB KUNARAC, RADOMIR KOVAC AND ZORAN VUKOVIC (appeal Judgment) IT-96-23-T& IT-96-23/1-T, International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), (12 June 2002), para 117.

6. Ibid, para 119.

7. Ibid, para 108.

می‌گیرد. به تعبیر دیگر، صرف اینکه متهمان با زنان مورد نظر، به شیوه‌ای مبتنی بر اعمال مالکیت رفتار می‌کرده‌اند برای تحقق برده‌داری کفایت می‌کند و بنابراین، نیازی نیست تا فقدان رضایت به‌عنوان یکی از عناصر جرم توسط دادستان اثبات شود. با این حال، از حیث ادله اثبات جرم، برای پاسخ به این سؤال که آیا دادستان اعمال مالکیت توسط متهم را احراز کرده است یا خیر، اثبات فقدان رضایت هم می‌تواند تأثیرگذار باشد. از این حیث، به نظر دادگاه تجدیدنظر اوضاع و احوالی که اظهار رضایت را ناممکن کند کافی است تا فرض کنیم رضایت وجود نداشته است. دادگاه تجدیدنظر، اوضاع و احوال در این پرونده را از این دست دانست.^۱

برخلاف نظر تجدیدنظرخواهان که مدعی بودند برای تحقق این جرم وجود دوره نامعین یا حداقل دوره طولانی ضروری است، مرجع تجدیدنظر از حیث عنصر زمان نیز بر برداشت دادگاه بدوی صحه گذاشت و تأیید کرد که طول مدت برده‌داری از عناصر جرم نیست و طول مدت مقتضی، به شرایط خاص هر پرونده بستگی خواهد داشت.^۲

در آخر، دادگاه تجدیدنظر در موضوع عنصر روانی نیز با دادگاه بدوی موافقت کرد: «عنصر روانی لازم از اعمال آگاهانه حقوق وابسته به حق مالکیت تشکیل می‌شود. لازم نیست اثبات شود که متهم قصد بازداشت قربانیان را برای مدت‌زمان طولانی به‌منظور استفاده جنسی داشته است». دادگاه تجدیدنظر نهایتاً جمع‌بندی کرد که «تعریف شعبه بدوی جرم برده‌داری بیش از حد گسترده نشده و منطبق بر عرف حقوق بین‌الملل در زمان ارتکاب جرائم اتهامی بوده است.»^۳

بدین ترتیب هر دو دادگاه بدوی و تجدیدنظر بدون، توجه به برقراری رابطه مالکیت حقوقی، صرف نوعی اعمال مالکیت و قصد مرتکب را در اعمال رفتارهای مشابه مالکیت نسبت به قربانیان برای احراز برده‌داری کافی دانستند. همچنین از مقایسه عناصر جرم برده‌داری در این پرونده و شرایط و اوضاع و احوال لازم برای ارتکاب آن با آنچه در قسمت قبل در خصوص مشخصات کار اجباری مطرح کردیم روشن می‌شود که شباهت‌های زیادی بین این دو رفتار وجود دارد و اگر بپذیریم در برده‌داری یا به بردگی گرفتن وجود رابطه مالکیت قانونی ضروری نیست و با اعمال حقوق مالکانه نیز این جرم محقق می‌شود، بسیاری از مصادیق کار اجباری تحت

1. Ibid, para 120.

2. Ibid, para 121.

3. Ibid, para 122.

عنوان برده‌داری قابل تعقیب هستند؛ زیرا در شرایطی که کسی نسبت به دیگری اعمال مالکیت می‌کند، عنصر رضایت مفقود است و لذا می‌توان از وقوع کاراجباری سخن به میان آورد. اما تفسیری که در قضیه سیلیادین در دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح شده است خلاف این ادعا را مطرح می‌کند.

۳.۲. دیوان اروپایی حقوق بشر

دیوان اروپایی حقوق بشر، دادگاهی است که رأساً به شکایات وارده علیه نقض حقوق و آزادی‌های مصرح در کنوانسیون اروپایی رسیدگی می‌کند. گرچه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اولین سند بین‌المللی نبود که در زمینه حقوق بشر تدوین شد، لیکن این کنوانسیون را می‌توان نخستین سند حقوق بشری دانست که نهادی قضایی را در جهت نظارت و کنترل قضایی بر حسن اجرای یک قرارداد بین‌المللی پیش‌بینی کرده است. دیوان اروپایی حقوق بشر در طول تاریخ خود نه تنها نقش مهمی در ارتقای حقوق بشر در اروپا، بلکه نقش قابل توجهی در توسعه و تحول حقوق بین‌المللی ایفا کرده است.^۱ این دیوان در یکی از پرونده‌های خود تفسیر خاصی از جرم برده‌داری ارائه می‌دهد که در این نوشته برای تعریف و تفسیر این مفهوم اهمیت دارد. بر اساس بند ۱ و ۲ ماده چهار کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، هیچ‌کس نباید به بردگی یا خدمتکاری اجباری وادار شود و هیچ‌کس نباید ملزم به انجام کار اجباری یا تحمیلی شود. در ۲۶ جولای ۲۰۰۵، سیلیادین بر اساس نقض این ماده شکایتی علیه دولت فرانسه در دیوان مطرح کرد.^۲ خواهان که در سال ۱۹۹۴ برای تحصیل به فرانسه آمده بود در اقامتگاه شخصی در پاریس به عنوان یک خدمتکار خانگی به کارگماشته شد. خواهان مدعی بود که در این مدت برده خانگی بوده است.

دادگاه بدوی فرانسه استثمارگران سیلیادین را به جرم «به کار اجباری گماشتن یک فرد آسیب‌پذیر، بدون پرداخت دستمزد» محکوم و جزای نقدی برای آنان در نظر گرفت، اما این محکومیت توسط دادگاه تجدیدنظر نقض و متهمان تبرئه شدند. در نهایت، نظام دادرسی فرانسه

۱. قاری سید فاطمی، سید محمد، دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر، مجله حقوقی بین‌المللی، بهار ۱۳۷۹، شماره ۲۵، صص ۱۳۰-۱۲۹.

2. *Siliadin case*.

هیچ مجازاتی به آنها تحمیل نکرد. به همین دلیل با شکایت سیلیادین پرونده در دیوان اروپایی حقوق بشر مورد بررسی قرار گرفت.

دیوان، در تصمیم خود، دادگاه فرانسوی را به سبب نقض ماده ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و برای ناتوانی در تعیین مجازات مناسب به سبب این نوع استثمار و حمایت نکردن از حق سیلیادین سرزنش کرد؛ اما در حال دیوان از اطلاق عنوان برده‌داری به اعمالی که سیلیادین در معرض آن قرار گرفته بود خودداری کرد و ترجیح داد از واژه خدمتکاری استفاده کند. به اعتقاد دادگاه نمی‌توان پذیرفت سیلیادین در وضعیت برده‌داری به مفهوم سنتی‌اش نگاه داشته شده است.^۱ بنابراین، خواننده مرتکب جرم «به بردگی گرفتن» نشده است؛ زیرا استخدام‌کنندگان اگرچه بر روی خدمتکار اعمال اختیار می‌کردند، بر وی حق تملک حقوقی نداشتند و مالک او نبودند تا بتوان گفت وی وضعیت یک شیء را پیدا کرده است. به این ترتیب، وقوع برده‌داری به دلیل برقرار نشدن رابطه مالکیت احراز نشد، لیکن این دادگاه در نهایت به این نتیجه رسید که خواهان به خدمتکاری اجباری که خود نقض ماده ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است، گماشته شده است. ^۲ برای مسئول دانستن دولت فرانسه، تمایزی بین برده‌داری و خدمتکاری نیست، زیرا هر دو رفتارهایی‌اند که بر اساس ماده ۴ کنوانسیون بدون هیچ استثنائی ممنوع شده‌اند و از این حیث دولت فرانسه مسئول است، اما تعابیر به کاررفته در حکم دیوان برای شناسایی تعریف دیوان از مفهوم برده‌داری حائز اهمیت است.^۳ چراکه سؤال و ابهامی را به همراه می‌آورد مبنی بر اینکه از دید دیوان اروپایی حقوق بشر برده‌داری در دنیای معاصر به چه رفتارهایی اطلاق می‌شود؟

در پاسخ به این سؤال، ملاحظه می‌شود که دیوان به تعریف «کلاسیک» از برده‌داری متوسل شده و اظهار داشته که اگرچه خواهان در این پرونده، به وضوح از استقلال شخصی‌اش محروم شده است اما شواهد نشان نمی‌دهد که او در بردگی به معنای خاص قرار داشته است. به عبارت دیگر، خواننده‌ها حق واقعی^۴ نشأت گرفته از تملک قانونی‌شان بر او را اعمال نکردند و

1. Allain, Jean. The Legal Understanding of Slavery: From the Historical to the Contemporary. Oxford: Oxford University Press, 2012. Internet resource.p 153.

2. Press unit of European court of human rights, Factsheet – Slavery, servitude and forced labour, June 2015, p1, available at: http://www.echr.coe.int/Documents/FS_Forced_labour_ENG.pdf.

3. Allain, The Legal Understanding of Slavery: From the Historical to the Contemporary, op.cit, p. 154.

4. genuine right.

بنابراین او را در حد یک شیء تنزل نداده‌اند.^۱ به بیان دیگر قضات پرونده اعمال اختیار مربوط به حق مالکیت را کافی ندانسته و برای تحقق برده‌داری نشان دادن یک حق واقعی ناشی از تملک قانونی را ضروری می‌دانند و از مفهوم برده‌داری تفسیری مضیق ارائه کرده‌اند، تفسیری که در مقایسه با تفسیر دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، نشان از وجود رویکردهای متفاوت نسبت به این مفهوم در حقوق بین‌الملل دارد و خوانشی محدود از ماده اول کنوانسیون ضدبردگی مصوب ۱۹۴۶ دارد زیرا آستانه تشخیص برده‌داری تام‌رتبه‌ای که «حق واقعی ناشی از مالکیت قانونی» اعمال نگردد افزایش یافته است و می‌توان گفت که تفسیر اخیر در تضاد با تحول اصطلاح برده‌داری در حقوق بین‌الملل عمومی است^۲ که صرف وجود نشانه‌هایی از رفتار مبتنی بر مالکیت نیز وقوع برده‌داری را محرز می‌داند فارغ از اینکه خود مالکیت حقوقی تعیین‌کننده باشد.^۳

1. Allain, The Definition of 'Slavery' in General International Law and the Crime of Enslavement within the Rome Statute, *Op.cit.*, p.18.
2. Press unit of European court of human rights, *op.cit.*
3. Allain, Jean. The Legal Understanding of Slavery: From the Historical to the Contemporary. *Op.cit.*, p.155.

نتیجه‌گیری

امروزه، کسی در قبیح و ناپسند بودن برده‌داری تردیدی ندارد و کمتر کسی است که با لزوم مبارزه با آن در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مخالفتی داشته باشد. با این حال، شناسایی این پدیده دیگر به آسانی گذشته نیست، زیرا در شکل کلاسیک خود، برده‌داری تنها به حالتی اطلاق می‌شد که فردی بر دیگری مالکیت داشت و برده نه یک انسان که بخشی از مایملک دیگری بود و کرامت و شأن انسانی خود را به تمامی از دست می‌داد.

در دنیای معاصر، دیگر چنین حالتی امکان وقوع ندارد و نمی‌توان با اعمال مالکیت به شیوه قانونی افراد را به بردگی گرفت. اما شیوه‌هایی جدیدتر پدید آمده‌اند که با خدشه‌دار ساختن آزادی افراد و لطمه‌زدن به هویت و کرامت انسانی آنها گونه‌ای برده‌داری را رقم می‌زنند و حقوق بین‌الملل به مقابله با این اشکال برخاسته است. پیدایش اشکال جدید استخدام و به‌کارگیری به‌منظور سوءاستفاده که گاه بسیار گسترده‌اند دستاورد دنیای مدرن است که توسعه برده‌داری‌های سنتی و میراث گذشته محسوب می‌شود. با تغییر در الگوی تولید، مهاجرت و نحوه به‌کارگیری نیروی کار، اشکال قدیمی‌تر نیز در حال تبدیل شدن به اشکال جدیدند؛ حال آنکه بسیاری از این موارد قابل انطباق با تعاریف در قالب سنتی نیستند و از همین رو نیاز به توسعه و تحول مفاهیم و تعاریف برای ریشه‌کن کردن این موارد احساس می‌شود. بنابراین، توسعه و تحول تعاریف برده‌داری برای فهم آنچه در کنوانسیون ۱۹۲۶ در تعریف آن بیان شده، اهمیت زیادی دارد. به دیگر بیان، به کار بردن یک واژه تاریخی برای توصیف وضعیت معاصر الزاماً توسعه و تحول آن را به همراه می‌آورد.

در این مقاله با ژرفکاوی در معنای برده‌داری، با توجه به پیشینه آن و در نظر گرفتن مفهوم مشابه کاراجباری و در نهایت با رجوع به آرای دادگاه‌های بین‌المللی، کوشیده شد فهم مناسبی از معنای برده‌داری در دنیای معاصر ارائه شود. بر این اساس، اختیارات مربوط به مالکیت که رکن تحقق برده‌داری‌اند نه تنها برده‌داری قانونی، بلکه برده‌داری عملی را نیز شامل می‌شوند. در این معنا، نه تنها نیازی به احراز رابطه حقوقی مالکیت نیست بلکه لزومی به اجرا و اعمال این حق مالکیت نیز وجود ندارد؛ بلکه به صرف آنکه به‌طور بالقوه چنین اختیاری برای فردی نسبت به دیگری وجود داشته باشد شرایط مهیا است تا برده‌داری را محقق بدانیم.

با این مبنا، جرم به بردگی گرفتن در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز ذیل این تفسیر قرار گرفته و در حقوق کیفری بین‌المللی این رفتار مجرمانه و قابل تعقیب خواهد بود و راه برای مبارزه با اشکال جدید و معاصر برده‌داری هموارتر می‌شود. آنچه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه کوناراک طرح کرد و آنچه در اساسنامه رم و سند عناصر جرایم به عنوان تعریف برده‌داری ذکر شد مبنی بر این که به بردگی گرفتن را به عنوان یک جرم علیه بشریت ممنوع دانسته، مؤید این دیدگاه است و جای ابهامی باقی نمی‌گذارد. علاوه بر این، با در نظر داشتن این واقعیت که مفهوم کاراجباری و عناصر آن از بسیاری از جهات مشابه برده‌داری است و رابطه تنگاتنگ و نزدیکی با مفهوم معاصر برده‌داری برقرار می‌کند و با در نظر گرفتن تفسیر موسع از مالکیت در برده‌داری، این شباهت بیش از پیش تقویت می‌شود و بسیاری از مصادیق کاراجباری تحت این عنوان مجرمانه قرار می‌گیرند و بنا بر آنچه گفته شد، قابلیت تعقیب کیفری آنها نیز وجود دارد. تحمیل کار یا خدمت به یک شخص که محدودکننده آزادی وی باشد، رضایت شخص را به همراه نداشته باشد و متضمن تهدید به تنبیه باشد به خوبی می‌تواند نشان‌دهنده و مصداق کنترل یک شخص و یا اعمال اختیار مرتبط با حق مالکیت بالقوه باشد. اگرچه شرایط و اوضاع و احوال رفتارهای صورت گرفته باید بررسی شوند، اما شاخص‌های منعکس‌کننده شرایط برده‌داری که در دادگاه کوناراک نیز مطرح شد با عوامل تشکیل‌دهنده کاراجباری در بسیاری از مصادیق مدرن آن قابل انطباق‌اند.

در کنار این تفسیر در برخی دیدگاه‌های مضیق‌از جمله آن‌چنان که در پرونده‌ای از دیوان اروپایی حقوق بشر ملاحظه شد- برده‌داری تنها در حالتی به رسمیت شناخته می‌شود که مالکیت در معنی دقیق کلمه اعمال شده باشد. این تفسیر مضیق که به برداشت سنتی از برده‌داری وفادار مانده چندان با توسعه مفهومی برده‌داری همراه نیست و نشان از جریانی متفاوت در حقوق بین‌الملل دارد؛ اگرچه می‌توان مدعی شد در مجموع چنین دیدگاهی در اقلیت قرار دارد. البته در پرونده مذکور نیز رفتار متهمان مستوجب مجازات دانسته شد و تحت عنوان دیگری جرم انگاری گردید، اما به نظر می‌رسد صرف اطلاق برده‌داری به یک واقعه چنان قبحی بر آن می‌افکند که راه را بر حذف آن هموارتر می‌کند و از این‌روست که توسعه مفهومی برده‌داری و استعمال آن در موقعیت‌های مشابه را می‌توان دستاورد چشمگیر حقوق بین‌الملل دانست.

فهرست منابع

الف) فارسی

کتاب

۱. میرمحمد صادقی، حسین، *حقوق جزای بین‌الملل*، چاپ چهارم، میزان، تهران: ۱۳۹۲.

مقالات

۲. قاری سیدفاطمی، سید محمد، *دادگاه جدید اروپائی حقوق بشر*، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۵، بهار ۱۳۷۹.
۳. قریشی، سید یوسف، *اردوگاه‌های کار اجباری و کارویژه‌های آنها*، فصلنامه ره‌آورد سیاست، شماره ۱۹، بهار ۱۳۸۷.

پایان‌نامه

۴. طاهری، آزاده السادات، «حق اشتغال با تأکید بر اشتغال مولد در نظام حقوق داخلی و بین‌المللی»، پایان‌نامه برای دریافت درجه دکتری حقوق عمومی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.

ب) منابع خارجی

Books

5. Allain, Jean. *The Legal Understanding of Slavery: From the Historical to the Contemporary*. Oxford: Oxford University Press, 2012.
6. Sadat, Leila N, and Michael P. Scharf. *The Theory and Practice of International Criminal Law: Essays in Honor of M. Cherif Bassiouni*. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers, 2008.
7. Bassiouni, M C. *International Criminal Law; Volume 1: Sources, Subjects and Contents*. Leiden: Martinus Nijhoff Pub, 2008.

Articles and Reports

8. A Global Alliance against Forced Labour, "Global Report under the Follow-up to the ILO Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work, International Labour Conference", 93rd Session, 2005.
9. Allain, Jean, "The Definition of 'Slavery' in General International Law and the Crime of Enslavement within the Rome Statute", Guest Lecture Series of the Office of the Prosecutor, Queen's University of Belfast, Hague, 2007.
10. Bell, Jessica, "Contemporary slavery and international law", Human Rights and Human Welfare, 2008.
11. Beth Herzfeld, "Slavery and Gender: Women's Double Exploitation", Gender and Development, Vol.10, No.1, March 2002.

12. "Combating Forced Labour, a Handbook for Employers and Business, Special Action Programme to combat Forced Labour", No.3, Guiding Principles for Combating Forced Labour, International Labour Office, 2008.
13. Eradication of Forced Labour, "General Survey Concerning the Forced Labour Convention", 1930 (No. 29), and the Abolition of Forced Labour Convention, 1957 (No. 105), International Labour Office, Geneva, 2007.
14. Oosterveld, Valérie. "Sexual slavery and the International Criminal Court: advancing international law", Michigan Journal of International Law. 253, 2004.
15. Plant, Roger. "Modern slavery the concepts and their practical implications. ILO (working paper)", Geneva, 2014.
16. Press unit of European court of human rights, "Factsheet – Slavery, servitude and forced labour", June 2015, available at: http://www.echr.coe.int/Documents/FS_Forced_labour_ENG.pdf
17. "Report of the Temporary Slavery Commission to the Council of the League of Nations (A.17.1924.VI.B)", 1924, quoted in "The suppression of slavery" (Memorandum submitted by the Secretary-General to the Ad Hoc Committee on Slavery), United Nations document ST/SPA/4 1951.
18. "Weissbrodt, D. S. Anti-Slavery International.& United Nations, Abolishing slavery and its contemporary forms, Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights", United Nations, New York, 2002.

Cases

19. PROSECUTOR v. DRAGOLJUB KUNARAC, RADOMIR KOVAC AND ZORAN VUKOVIC (Trial Judgment) IT-96-23-T& IT-96-23/1-T, International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), (22 February 2001).
20. PROSECUTOR v. DRAGOLJUB KUNARAC, RADOMIR KOVAC AND ZORAN VUKOVIC (appeal Judgment) IT-96-23-T& IT-96-23/1-T, International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), (12 June 2002).